

ارتباط ارزش فرزند با میزان باروری در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی

الهام فاضلی^۱، ناهید گلمکانی^{۲*}، دکتر علی تقی پور^۳، دکتر محمد تقی شاکری^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۲. استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۳. استادیار گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
۴. استاد گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۹

خلاصه

مقدمه: میزان باروری با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط است که شناسایی دقیق این عوامل ضرورت دارد. مفهوم "ارزش فرزندان"، ماهیت و درجه ارزیابی والدین از فرزندانشان است که بر اهمیت ساختار اجتماعی تأکید می‌کند. با مقایسه مطالعات انجام شده در بین نسل‌ها و فرهنگ‌های مختلف و کاهش نرخ رشد سالانه جمعیت در ایران و پیامدهای آن، مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط ارزش فرزند با باروری زنان انجام شد.

روش کار: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۲ بر روی ۵۱۲ زن مراجعه کننده به مراکز بهداشتی- درمانی شهرستان مشهد انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه اطلاعات فردی و پرسشنامه ارزش فرزند ترومسدورف بود که شامل چهار بُعد سودگرا-هنجاری، عاطفی، خانوادگی و امنیت دوران پیری بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) و آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آنالیز واریانس و آزمون توکی انجام شد. میزان p کمتر از ۰/۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: در مطالعه حاضر در بین ابعاد ارزش فرزند، بُعد امنیت دوران پیری با میانگین ۰/۶۹/۶۵، بیشترین درجه اهمیت را داشت و تنها بین بُعد خانوادگی و سن، ارتباط معنی داری وجود داشت ($p=0/03$). همچنین بین ابعاد ارزش فرزند و باروری ارتباط معنی داری مشاهده نشد ($p>0/05$).

نتیجه‌گیری: مفهوم ارزش فرزند یک متغیر وابسته به فرهنگ است و رفتار باروری در زنان بیشتر از ساختار فردی، اقتصادی و اجتماعی جمعیتی تأثیر می‌پذیرد.

کلمات کلیدی: ارزش‌های اجتماعی، انتخاب رفتار، زنان، رشد جمعیت، فرزند، میزان باروری

* نویسنده مسئول مکاتبات: ناهید گلمکانی؛ دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. تلفن: ۰۹۱۵۳۱۱۴۳۹۳؛ پست الکترونیک: golmakanin@mums.ac.ir

مقدمه

مطالعات نشان داده‌اند که میزان باروری با عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مرتبط است؛ از این رو شناسایی دقیق این عوامل ضرورت دارد (۱). عوامل فرهنگی - اجتماعی یک جامعه، ارزش‌ها و اعتقادات مشترک بین افراد آن جامعه هستند که زمینه را برای داشتن یا نداشتن فرزند فراهم می‌کنند. اما عوامل فردی در درون یک جامعه متفاوتند و مشخص می‌کنند که افراد چه اندازه به ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات فرهنگی خود در زمینه رفتارهای باروری پایبند هستند (۲).

ارزش فرزند می‌تواند به عنوان یک عامل واسطه روحی - روانی بین تغییرات سازمانی در سطوح کلان (مانند مدرن شدن و صنعتی شدن) و میزان باروری در نظر گرفته شود (۳). اینگونه فرض می‌شود که پدیده‌ها در سطح گروهی و ارزش‌های فردی و تصمیم‌گیری باروری با یکدیگر مرتبط هستند (۲). در واقع مفهوم "ارزش فرزندان"، یک مدل هزینه-سود است که به درک بیشتر تفاوت‌های بین فرهنگی در انگیزه باروری کمک می‌کند و بر اهمیت ساختار اجتماعی تأکید دارد (۴). آرنولد و همکار (۱۹۷۵) بیان می‌کنند که ارزش فرزند به ماهیت و درجه ارزیابی والدین از فرزندان دلالت دارد و داشتن فرزند، یکی از ابعاد رفتارهای باروری است (۵). بر اساس نظر هافمن و همکار (۱۹۷۳) ارزش فرزند را نیازهایی که فرزندان برای والدین خود تأمین می‌کنند و مزایایی که برای والدین خود فراهم می‌سازند؛ بیان می‌نمایند (۶).

مطالعات اولیه ارزش فرزند به منظور توضیح میزان بالای باروری و ازدیاد جمعیت در بسیاری از کشورهای جهان انجام گرفت، اما امروزه این کاربرد برعکس شده و در بسیاری از کشورهای غربی برای توضیح میزان کم باروری از آن استفاده می‌شود (۷).

برخی مطالعات، ارزش فرزند^۱ را به عنوان تقویت انگیزه باروری می‌دانند (۴). در واقع ارزشمند بودن فرزندان برای بزرگسالان ممکن است باعث تحریک آن‌ها برای بچه دار شدن شده و ممکن است به عنوان یک عامل

بر تصمیم‌گیری آنان برای بچه‌دار شدن مؤثر باشد و تعداد فرزندان آن‌ها را تعیین کند (۸، ۹).

هافمن (۱۹۷۰) بر اساس داده‌های تجربی، ۹ بُعد از ارزش فرزند را معرفی کرد، اما بعدها محققان این عوامل را در سه بُعد عاطفی-روانی (مانند داشتن کسی که دوستش داشته باشد و از آن مراقبت کند، لذت بخش بودن مشاهده رشد کودکان و داشتن روابط عاطفی با فرزندان)، اقتصادی-سودگرا (مانند کمک به اقتصاد خانواده، کمک در خانه و فراهم کردن امنیت دوران پیری) و اجتماعی-هنجاری (مانند ادامه نام خانوادگی، ارتقاء جایگاه والدین در بین خویشاوندان نزدیک) دسته‌بندی کردند (۷، ۱۰).

تحلیل‌هایی که پس از آن توسط مایر و همکاران (۲۰۰۹) صورت گرفت، نشان داد که ابعاد اقتصادی-سودگرا و اجتماعی-هنجاری ارزش فرزند می‌توانند با یکدیگر ترکیب شده و به صورت یک بُعد منفرد با عنوان بُعد سودگرا-هنجاری گزارش شود (۱۱).

فرضیه عمده این است که همین بُعد سودگرا-هنجاری ارزش فرزند در دیدگاه جامعه می‌تواند با باروری بالا مرتبط باشد، زیرا نیازهای اقتصادی به بهترین وجه با تعداد بیشتری از فرزندان تأمین می‌شود، اما بُعد عاطفی فرزند ارتباط کمتری با باروری دارد زیرا نیازهای عاطفی می‌تواند با حضور تنها یک یا دو فرزند تأمین شوند. بر اساس این فرضیه، بُعد عاطفی بیشتر در فرهنگ‌های مرفه که کودکان در آن پرهنزینه هستند (۱۲-۱۴) و به امنیت دوران پیری کمک نمی‌کنند، برجسته تر است که این مسأله باعث کاهش باروری می‌شود. اما ارزش‌های سودگرا-هنجاری در جوامع کشاورزی و فرهنگ‌هایی که فرزندان با درآمد خانواده و امنیت دوران پیری مرتبط هستند، برجسته تر بوده که باعث افزایش میزان باروری می‌شود (۱۳). با این وجود بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از فرهنگ‌ها، میزان اهمیت بُعد عاطفی ارزش فرزند مستقل از توسعه اقتصادی جامعه است (۱۵).

به دلیل تأثیر عوامل مختلف مانند صنعتی شدن، مدرن شدن و افزایش سطح درآمد بر ارزش فرزند، اهمیت بُعد سودگرا-هنجاری ارزش فرزند روز به روز کاهش می‌

¹ Value of Children

برنامه‌ریزی آموزشی مناسب در راستای ارتقاء رفتار باروری تدوین کرد.

روش کار

این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۲ بر روی ۵۱۲ زن مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان مشهد انجام شد. نمونه‌گیری به روش چند مرحله‌ای انجام شد. چارچوب نمونه‌گیری پژوهش، تمام مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد بود؛ به این صورت که ابتدا مراکز بهداشتی-درمانی دولتی تحت پوشش مراکز پنجگانه بهداشت سطح شهر مشهد (شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) طبقه بندی شدند و آماری از مراجعین تحت پوشش هر مرکز به دست آمد، سپس مراکز بهداشتی درمانی تحت پوشش آن‌ها لیست شده و به عنوان خوشه مدنظر قرار گرفتند. سپس در هر مرکز، انتخاب واحدهای پژوهش به صورت در دسترس و بر اساس معیارهای نمونه‌گیری صورت گرفت.

معیارهای ورود به مطالعه شامل: ایرانی و مشهدی بودن، دارای حداقل سواد خواندن و نوشتن، مسلمان بودن، متأهل بودن و اینکه مادر بیولوژیک فرزندان خود باشند. در این مطالعه زنان باردار و زنان با سابقه ناباروری و زنان دارای فرزند ناهنجار از مطالعه خارج شدند. بدین ترتیب ۵۱۲ زن از تمام مراکز بهداشتی-درمانی پس از تکمیل فرم رضایت آگاهانه وارد مطالعه شدند.

به منظور گردآوری داده‌ها، از فرم مصاحبه استفاده شد که در دو بخش اطلاعات فردی و پرسشنامه ارزش فرزند برگرفته از ترومسدورف (۲۰۰۲) و دارای ۲۷ قسمت بود که بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت از "اصلاً مهم نیست" تا "بسیار مهم است" اندازه‌گیری می‌شد. به گزینه "اصلاً مهم نیست" نمره ۱ و به "بسیار مهم است" نمره ۵ تعلق می‌گرفت.

در مطالعه حاضر، بر اساس مطالعه مایر (۲۰۰۹) دو بعد اقتصادی-سودگرا و اجتماعی-هنجاری ارزش فرزند با یکدیگر ترکیب شده و به صورت یک بُعد منفرد با عنوان بُعد سودگرا-هنجاری گزارش شد و برای دستیابی به نتایج دقیق تر، دو بُعد امنیت دوران پیری و

یابد. مدرن شدن همچنین می‌تواند باعث کاهش اهمیت بُعد عاطفی ارزش فرزند شده و از سوی دیگر باعث ارضاء نیاز به وابستگی و احساس نزدیکی بین زوجین شود (۲).

در ایران میزان باروری کلی^۱ از ۷ کودک در سال ۱۳۶۳ به فقط ۲ کودک در سال ۱۳۷۸ و ۱/۹ در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (۱۶، ۱۷). متوسط رشد سالانه جمعیت در ایران از ۳/۲۵ در سال ۱۳۷۰ به ۱/۶۲ در سال ۱۳۸۵ و ۱/۳ در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نشان می‌دهد نرخ رشد جمعیت در سال‌های اخیر در ایران رو به کاهش است (۱۸).

کاهش باروری، منجر به پیری جمعیت می‌شود که همین امر باعث کاهش نیروی کار و دشواری در برآوردن نیازهای عرصه شغلی آینده می‌شود و پیر شدن جمعیت نیز به معنای کاهش یافتن مالیات پایه است که به دنبال آن، حفظ سطح فعلی درآمد، بهداشت و سایر هزینه‌های اجتماعی به مخاطره خواهد افتاد (۴).

دسته بندی ارزش فرزند برای والدین می‌تواند متناسب با فرهنگ مورد مطالعه باشد. مطالعه شاهنوشی و همکار (۲۰۰۹) که با هدف تعیین تفاوت‌های ارزش فرزند در مناطق شهری و روستایی در سمیرم انجام شد، نشان داد که ارزش فرزندان در خانوارهای روستایی و شهری یکسان نیست و متغیرهای ارزش اقتصادی - امنیتی و مالی فرزند، کسب هویت از فرزند، پیوستگی و تداوم خانواده، زحمات جسمی (خستگی) و ترجیحات جنسی بر تفاوت ارزش فرزندان در مناطق شهری و روستایی تأثیرگذار است (۱۹).

با مقایسه مطالعات انجام شده در بین نسل‌ها و فرهنگ‌های مختلف مشخص شده است که مطالعات گسترده‌تری نیاز است تا ابعاد ارزش فرزند را در فرهنگ‌های مختلف آنالیز کرده و ارتباط آن را با باروری در سطح فرهنگی بسنجند. از این رو مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط ساختار ارزش فرزند با باروری در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد در سال ۱۳۹۲ انجام شد تا بر اساس آن بتوان

¹ Total Fertility Rate

استفاده شد. میزان p کمتر از $0/05$ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۵۱۲ زن مورد بررسی قرار گرفتند که محدوده سنی آن‌ها ۶۰-۱۵ سال با میانگین سنی $30/8 \pm 8$ سال بود. سطح تحصیلات ۲۴۰ نفر (۴۷٪) از زنان مورد مطالعه در حد دبیرستان بود و از نظر شغل ۳۹۴ نفر (۷۷٪) آن‌ها خانه‌دار بودند. متوسط تعداد فرزندان در افراد مورد مطالعه $1/03 \pm 1/6$ (دختر با میانگین $1/07 \pm 1/12$ و پسر با میانگین $1/08 \pm 1/09$) بود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد بین تحصیلات، شغل، سطح درآمد، سن ازدواج و شغل همسران زنان با تعداد فرزندان آنان ارتباط معنی‌داری وجود داشت ($p < 0/05$). در نتایج آماری این مطالعه، بُعد خانوادگی با میانگین $10/68 \pm 41/69$ درصد کمترین و امنیت دوران پیری با میانگین $17/48 \pm 69/65$ درصد، بیشترین بُعد ارزش فرزند را دارا بودند (جدول ۱).

بُعد خانوادگی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند. در نتیجه ارزش فرزند در چهار بُعد عاطفی، سودگرا-هنجاری، خانوادگی و امنیت دوران پیری دسته‌بندی شد (۱۱). نمره به دست آمده در هر بُعد بر اساس میانگین تعیین شد و نمرات بالاتر، نشانه ارزش فرزند بیشتر در بُعد مربوطه بود.

اعتبار پژوهش با استفاده از اعتبار محتوا و اعتماد علمی آن به روش همسانی درونی و با محاسبه آلفا کرونباخ $r = 0/85$ تعیین شد.

داده‌ها پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ابتدا طبیعی بودن داده‌ها به روش آزمون کولموگروف-اسمیرنوف سنجیده شد. جهت محاسبه ارتباط خطی متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و جهت مقایسه میانگین متغیرها بین گروه‌ها از آنالیز واریانس استفاده شد. در مواردی که تفاوت بین گروه‌ها معنی دار شد، برای مقایسه دو به دوی گروه‌ها از نظر میانگین متغیر از آزمون توکی

جدول ۱- مقایسه درصد میانگین و انحراف معیار ابعاد ارزش فرزند در زنان مورد مطالعه

ابعاد ارزش فرزند	حداقل نمره کسب شده	حداکثر نمره کسب شده	انحراف معیار \pm میانگین
خانوادگی	۱۲	۶۲	$41/69 \pm 10/6$
سودگرا-هنجاری	۲۰	۱۰۰	$52/55 \pm 17/6$
عاطفی	۱۶	۸۳	$62/25 \pm 13/3$
امنیت دوران پیری	۲۰	۱۰۰	$69/65 \pm 17/4$

هنجاری ($p = 0/18$)، عاطفی ($p = 0/42$) و امنیت دوران پیری ($p = 0/80$) ارتباط معنی‌داری وجود نداشت (جدول ۲).

در زنان مورد مطالعه از بین ابعاد ارزش فرزند، تنها بُعد خانوادگی با سن ارتباط معنی‌داری وجود داشت ($p = 0/03$)؛ به گونه‌ای که با افزایش سن، میانگین بُعد خانوادگی افزایش یافت اما بین سن و ابعاد سودگرا-

جدول ۲- مقایسه درصد میانگین ابعاد ارزش فرزند با سن در زنان مورد مطالعه

سن	خانوادگی	سودگرا-هنجاری	عاطفی	امنیت دوران پیری
$19/9 <$	$40/55 \pm 8/80$	$60/69 \pm 13/63$	$61/37 \pm 12/30$	$71/31 \pm 16/81$
$20-29/9$	$42/63 \pm 10/26$	$52/17 \pm 17/42$	$63/24 \pm 12/96$	$69/77 \pm 17/11$
$30-39/9$	$40/07 \pm 10/77$	$51/19 \pm 17/36$	$60/87 \pm 13/07$	$68/87 \pm 16/82$
$40-49/9$	$43/39 \pm 12/20$	$55/45 \pm 20/02$	$62/90 \pm 16/07$	$71/25 \pm 21/41$
>50	$46/66 \pm 8/89$	$53/75 \pm 22/13$	$65/11 \pm 11/46$	$73/32 \pm 14/47$

بحث

مطالعه حاضر با هدف ارزیابی ساختار ارزش فرزند در شهر مشهد و مقایسه آن در بین زنان سنین مختلف و بررسی ارتباط آن با باروری انجام شد. تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها در این مطالعه نشان داد که بین ابعاد ارزش فرزند در زنان، بُعد امنیت دوران پیری، بیشترین درجه اهمیت را داشت و تنها بین بُعد خانوادگی با سن، ارتباط معنی‌داری وجود داشت. هم‌چنین در این مطالعه بین تمام ابعاد ارزش فرزند و میزان باروری هیچ ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد.

در مطالعه حاضر بیشترین میانگین نمره ارزش فرزند مربوط به بُعد امنیت دوران پیری بود اما در مطالعه مایر و همکاران (۲۰۰۹) بیشترین میانگین برای بُعد عاطفی به دست آمد (۱۱). این یافته را می‌توان اینگونه توجیه کرد که شاید در ایران به دلیل عدم توجه به افراد میانسال و نبود سازمان‌های حمایت‌کننده (۴)، این دید سنتی به فرزند، دارای بیشترین اهمیت برای زنان است که باعث شده امنیت دوران پیری از دغدغه‌های زنان ایرانی باشد اما در فرهنگ‌های توسعه‌یافته، ارزش اقتصادی - سودگرا کم رنگ تر شده (۳، ۱۲-۱۴)، زیرا فواید اقتصادی کمی از طریق فرزندان برای والدین تأمین می‌شود و ارزش فرزند عاطفی می‌تواند از دلایل اولیه برای داشتن فرزند باشد (۳).

در مطالعه حاضر ارزش خانوادگی فرزند در بین زنان مسن‌تر نسبت به زنان جوان‌تر از اهمیت بیشتری برخوردار بود اما مایر و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که در بین سه نسل یک خانواده، نسل‌های مسن‌تر نسبت به نسل‌های جوان‌تر به بُعد سنتی ارزش فرزند (اقتصادی و امنیت دوران پیری) بیشتر اهمیت می‌دهند (۱۱) که این نتایج با نتایج مطالعه حاضر همخوانی نداشت که این تفاوت می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی در بین دو جامعه و نحوه انتخاب زنان مورد مطالعه باشد. در مطالعه مایر، مقایسه ارزش فرزند در افراد یک خانواده صورت گرفت و اعضاء یک خانواده با هم مقایسه شدند اما در مطالعه حاضر، افراد جامعه به طور تصادفی انتخاب شدند. در مطالعه حاضر ارزش خانوادگی فرزند از نسل‌های مسن‌تر به نسل‌های

جوان‌تر کاهش یافت که احتمال دارد ناشی از تغییر الگوی سنتی خانواده در ایران به دلیل روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور و جایگاه اجتماعی زنان باشد.

در مطالعه حاضر بین ابعاد ارزش فرزند و میزان باروری ارتباطی مشاهده نشد که مشابه نتایج مطالعه کالمن (۲۰۰۲) در ترکیه بود که آن‌ها نتیجه گرفتند اثر ارزش فرزند بر قصد باروری محدود است (۲). نتایج مطالعه کاگتیباسی (۱۹۸۲)، نوک (۲۰۰۷) و ترومسدورف (۲۰۰۹) با نتایج مطالعه حاضر متفاوت بود و بر اساس یافته‌های این مطالعات، بین ابعاد ارزش فرزند و باروری ارتباط وجود داشت (۳، ۲۰، ۲۱) که این تفاوت احتمال دارد به دلیل تفاوت در جایگاه فرزند برای زنان ایرانی و نشان‌دهنده این مسأله باشد که میزان باروری در ایران ممکن است تحت تأثیر سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی باشد. در این راستا نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بین تحصیلات، شغل، سطح درآمد، سن ازدواج و شغل همسر با تعداد فرزند در زنان ارتباط معنی‌داری وجود دارد و بدین معنی که این عوامل با رفتار فرزند آوری زنان مرتبط هستند که این یافته با نتایج مطالعه شیری و همکار (۲۰۰۹) و عباسی (۲۰۰۵) در ایران همخوانی داشت (۲۲، ۲۳).

در مطالعه حاضر اطلاعاتی در زمینه جایگاه زنان در شبکه اجتماعی، میزان به رسمیت شناخته شدن زنان و کیفیت رابطه زناشویی و همچنین تجارب شغلی و فرصت‌های شغلی زنان در دسترس نبود که این عوامل نیز ممکن است بر رفتارهای باروری در زنان مؤثر باشد. اهمیت این موضوع در سیاست‌گذاری‌های کشور و عدم وجود مطالعه مشابه در سطح کشور از نقاط قوت این مطالعه می‌باشد. از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به تفاوت در درک واحدهای پژوهش از سؤالات مطرح شده اشاره کرد.

نتایج مطالعه حاضر دلالت بر نگرانی زنان درباره دوران پیری خود بود که پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های لازم در مورد دوران سالمندی در سیاست‌گذاری‌های کشوری لحاظ شود. پیشنهاد می‌شود با توجه به کاهش موایید در کشور، در مطالعات آینده ساختار ارزش فرزند

به منظور بررسی عناصر مختلف مؤثر بر خانواده و باروری در ایران در بین گروه‌های با ویژگی‌های متفاوت مذهبی، فرهنگی و قومی نیز سنجیده شود.

باروری ارتباط وجود داشت که نشان می‌دهد رفتار باروری در زنان مورد پژوهش بیشتر از ساختار فردی، اقتصادی و اجتماعی جمعیتی تأثیر می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد مفهوم ارزش فرزند یک متغیر وابسته به فرهنگ است و تأثیر تفاوت‌های فرهنگی- اجتماعی بر آن یک واقعیت اجتناب ناپذیر است در این راستا امنیت دوران پیری مهم‌ترین بُعد ارزش فرزند در زنان مورد پژوهش بود و فقط بُعد خانوادگی ارزش فرزند در نسل‌های مختلف تفاوت داشت.

همچنین در مطالعه حاضر بین ابعاد ارزش فرزند و باروری ارتباطی مشاهده نشد اما بین تحصیلات، شغل، سطح درآمد، سن ازدواج در زنان و شغل همسر با

تشکر و قدردانی

مطالعه حاضر برگرفته از طرح پایان‌نامه تحقیقاتی مصوب ۹۲/۷/۱۴ دانشگاه علوم پزشکی مشهد با کد طرح ۹۲۰۳۶۲ می باشد که با حمایت مالی معاونت پژوهشی آن دانشگاه انجام شد. بدین وسیله از همکاری و مساعدت آن معاونت محترم، کارمندان مراکز بهداشت شهرستان مشهد و کلیه زنانی که در این طرح شرکت نمودند تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

1. Adibi Sadeh M, Arjman Siyahpoush E, Darvishzadeh Z. [The evaluation of fertility and affecting factors among the Tribes living in Andimeshk] [Article in Persian]. Stud Soc Dev J 2011;1(13):81-98.
2. Mayer B, Trommsdorff G. Adolescents' value of children and their intentions to have children: a cross-cultural and multilevel analysis. J Cross Cult Psychol 2010;41(5-6):671-89. DOI: 10.1177/0022022110372195.
3. Nauck B. Value of children and the framing of fertility: results from a cross-cultural comparative survey in 10 societies. Eur Soc Rev 2007;23(5):615-29.
4. Kazaryants K. Delayed motherhood, childbearing motivation and psychological distress levels in females age 30 and above. [Dissertation]. Los Angeles:Alliant International University;2009.
5. Arnold F, Fawcett JT. The value of children: a cross-national study. Vol. 3. Hawaii. Washington D.C.:Educational Resources Information Center;1975.
6. Hoffman LW, Hoffman M L. The value of children to parents. In: Fawcett JT. Psychological perspectives on population. New York:Basic Books;1973:19-77.
7. Albert I, Trommsdorff G, Lubiewska K. Do older mothers, younger mothers and adolescents in Germany and Poland differ in their ideas about having children or not? A closer look at the negative Value-of-Children and its further implications. In: Proceeding of Value of Children and Intergenerational Relations. Konstanz: University of Konstanz;2012.
8. Ntozi JP. The desire for children in tropical Africa: the influence of relatives on fertility decisions in Ankole, Uganda. J Biosoc Sci 1990 Oct;22(4):433-46.
9. Siegenthaler AL, Bigner JJ. The value of children to lesbian and non-lesbian mothers. J Homosex 2000;39(2):73-91.
10. Suckow J, Klaus D. Value of children in six cultures. Brno:Faculty of Social Studies, Masaryk University ;2002.
11. Mayer B, Albert I, Trommsdorff G, Schwarz B. Value of children in Germany: dimensions, comparison of generations, and relevance for parenting. Konstanz: Bibliothek der Universität Konstanz; 2009.
12. Henz U. Gender roles and values of children: Childless couples in East and West Germany. Demo Res 2008 Jul-Dec;19:1451-500..
13. Mayer B, Schwarz B, Trommsdorff G. Value of children and intergenerational relationships: culture-level relations in two generations. In: Proceedind of Value of Children and Intergenerational Relation. Konstanz: Konstanz University;2012.
14. Caldwell JC. The wealth flows theory of fertility decline.Lieg:Ordina Editors;1982.
15. Nauck B, Klaus D. The varying value of children: empirical results from eleven societies in Asia, Africa, and Europe. Curr Sociolo 2007 Jul;55:487-503.
16. Erfani A, Mcquillan K. Rapid fertility decline in Iran: analysis of intermediate variables. J Biosoc Sci 2008 May;40(3):459-78.

17. Abbasi-Shavazi MJ, McDonald P. Fertility decline in the Islamic Republic of Iran: 1972–2000. *Asian Popul Stud* 2006 Dec 11;2(3):217-37.
18. General population and housing census preliminary results.2011.Available at: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=123&ArticleType=ArticleView&ArticleID=8> /Accessed1392/02/23.
19. Shahnoushi M, Sami A. [The differences value of children between urban and rural in Semirom city] [Article in Persian]. *Sociology* 2009 Fall;5(3):75-96.
20. Kagitcibasi, C. The changing value of children in Turkey. Honolulu:East-West Center;1982.
21. Trommsdorff, G. A social change and a human development perspective on the value of children. In: Bekman S, Aksu-Koc A, Kagitcibasi C. Perspectives on human development, family, and culture. Cambridge:Cambridge University Press;2009:86-107.
22. Shiri T, Bidarian S. [Economic factors affecting the fertility of women 15-49 years old population employed in the school districts 22 of Tehran] [Article in Persian]. *J Sc Sci* 2009 Fall;3(3):93-107.
23. Abbasi Shovazi J. [Family and fertility change in Iran: a case study in Yazd province] [Article in Persian]. *J Popul* 2005 Spring;25:25-75.